

کتاب‌های درسی آموزش زبان فارسی در کشور پاکستان*

غلامرضا عمرانی

کتاب‌هایی، که شرح و نقد آنها پیش روی شما نهاده می‌شود، رسماً در شمار کتاب‌های درسی دانش‌آموزان پاکستانی است و چاپ و پخش و تدریس آنها، با نظارت و موافقت وزارت تعلیم حکومت پاکستان و به سفارش مؤسسه پنجاب تیکست بک بورد، در لاهور انجام می‌شود. برخی از این کتاب‌ها که در اختیار ماست تا مارس ۱۹۹۸ به چاپ یازدهم رسیده و هر بار با شمارگانی بین ۲۰۰۰ تا ۱۸۰۰۰ نسخه به بازار رسمی تعلیم و تربیت عرضه شده است. این شمارگان هجده‌هزاری، که احتمالاً تا امروز افزون‌تر شده است، تکلیف ما را در مقام پرچم‌داران زبان فارسی سنگین و سنگین‌تر می‌سازد و هشدار می‌دهد که تا دیر نشده کاری انجام دهیم وگرنه بعدها نظاره‌گرانی خواهیم بود کاراز دست شده و ناتوان در تأثیرگذاری.

فهرست کتاب‌هایی که در این مقاله بررسی می‌شود به شرح زیر است:

- کتاب جدید فارسی، کلاس ششم (تجدید نظر شده)؛
- کتاب جدید فارسی، کلاس هفتم؛
- کتاب جدید فارسی، کلاس هشتم (نظام جدید)؛
- کتاب جدید فارسی ادب، کلاس‌های نهم و دهم؛

* این متن فشرده مقاله مفصلی است (در ۳۱ صفحه)، که جا دارد جداگانه برای استفاده بیشتر اردوزبانان منتشر شود.

– کتاب فارسی، کلاس دوازدهم.

نخستین کتاب، فارسی ششم ابتدایی، دارای دو بخش متمایز است که در بخش اول دستور زبان فارسی و تطبیق آن با دستور اردو آموزش داده می‌شود و دومین بخش ویژه ایجاد مهارت خواندن است. بقیه کتاب‌ها، که تدریس آنها تا سال دوازدهم دبیرستان ادامه می‌یابد، بدون داشتن فصول دستوری، تنها شامل بخش‌هایی از نظم و نثر فارسی‌اند.

این آثار را، برای بررسی بهتر، به حوزه‌های کوچک‌تری تقسیم می‌کنیم و، سپس، به بررسی برخی از نارسایی‌های آنها می‌پردازیم.

۱. زبان

زبان را با در نظر گرفتن سه مبحث تلفظ، دستور زبان و واژگان بررسی می‌کنیم:

الف) تلفظ – تلفظ برخی از واژگان فارسی، چنان‌که در این کتاب‌ها آمده، معمول فارسی‌زبانان امروز ایران – که صاحبان اصلی این زبان‌اند و حق دارند درباره آن اظهار نظر کنند – نیست؛ از جمله

وَرَقْ (= ورق)	مَایِحْتِاج (= مایحتاج)
مَادر (= مادر)	طُلْمَت (= طُلْمَت)
اَنگِشْت (= انگشت)	پَسِرک (= پسرک)
خودنویس (= خودنویس)	مَشورِه (= مشورت)
عمو (= عمو)	حَسَن خَلقی (= حسن خلق)
بالآخره (= بالاخره)	لُوازم (= لوازم)

ب) دستور زبان – دستور زبان را در دو مبحث مسائل نظری و مسائل کاربردی بررسی می‌کنیم.

● مسائل نظری دستور زبان شامل تعاریف و اصطلاحات دستوری که در کتاب نخست (کلاس ششم) در بیست و یک درس تدریس می‌شود. ساختار هر درس دستوری چنین است:

تدریس مباحث دستوری با واژه‌آموزی آغاز می‌شود. در مرحله دوم، همان واژه‌ها در

جملاتی منفرد و گسسته از یکدیگر ارائه می‌شوند بی آن‌که کمترین توضیحی در این باره داده شود. پس از پایان مبحث جمله‌های نمونه، نوبت به مبحث فرهنگ می‌رسد که، بدون توجه به جمله‌ها، تنها به واگفت معنای واژه‌ها به زبان اردو می‌پردازد. تمرین‌های هر درس شامل دو تا سه تمرین یا پرسش به زبان اردوست که غالباً جمله‌هایی به زبان اردو داده شده و ترجمه آنها به زبان فارسی خواسته می‌شود. صورت تمرین‌ها به زبان اردو باعث کندی روند زبان‌آموزی می‌شود. تدریس دستور در همین کتاب پایان می‌پذیرد و تا پایان دوره هفت‌ساله تحصیلی، فقط دستورالعمل‌هایی برای ساختن جمله‌هایی می‌آید که نوعی مهارت دستوری در آن گنجانده شده است و، چون بسیار سطحی و با یک مثال همراه است، قطعاً نمی‌تواند پاسخگوی نیاز زبان‌آموزان باشد.

برخی از مباحث دستوری این کتاب‌ها فاقد پشتوانه علمی کافی است و برخی نیز با یافته‌ها و نظریه‌های امروزی بیگانه است. موارد زیر از آن جمله‌اند:

– حروف جار: در این کتاب‌ها حروف فارسی در، بر، زیر، کنار، از، تا، پیش، پس، با حروف جار نامیده شده‌اند، حال آن‌که حروف جار مختص زبان عربی است.

– تذکیر و تأنیث: مفهوم تذکیر و تأنیث نیز، چون در شبکه فعل‌های فارسی بی‌تأثیر است، مبحث قابل‌طرحی در زبان به حساب نمی‌آید؛ در صورتی‌که در کتاب سال ششم، بدون هیچ توضیحی که مقصود مؤلفان را برساند، آورده شده است.

– نام‌گذاری‌های غیرمعمول: تغییر اصطلاحات دستوری در صورتی‌که با اصول پذیرفته‌شده زبان دیگر مغایر باشد پذیرفتنی و جایز نیست. از جمله، تغییر نام ماضی نقلی به ماضی قریب، تغییر نام ماضی التزامی به ماضی شکّیه و تغییر نام ماضی استمراری به ماضی شرطی یا تمنّایی.

● مسائل کاربردی دستور زبان که آنها را به دو بخش تقسیم می‌کنیم:

– جمله‌های خارج از معیار: این جمله‌ها، با توجه به جمله‌های متداول در فارسی امروز، نادرست‌اند. برخی از آنها در شواهد زیر آمده است:

حمید پسر خوب است. (= حمید پسر خوبی است.)

دوات بر میز است. (= دوات روی میز است.)

در ایران و پاکستان روز جمعه در دبستان تعطیل است. (= در ایران و پاکستان روز جمعه دبستان

تعطیل است.)

آیا درس امروز خوب خواندی؟ (= آیا درس امروز را خوب خواندی؟)
پسری جوان می‌داشت. (= پسری جوان داشت.)
اگر گوییم که پاکستانی هستیم باید میهن خود را با جان و دل محبت کنیم. (= اگر بگوییم که پاکستانی هستیم باید میهن خود را با جان و دل محبت کنیم.)
چرا به باغبان نگفتی که برایت گل‌ها بچیند. (= چرا به باغبان نگفتی که برایت گل/گل‌ها را بچیند.)
مکه از تمام شهرهای دنیا محترم و مقدس است. (= مکه از تمام شهرهای دنیا محترم‌تر و مقدس‌تر است.)
من از کسانی تنبل و هیچ‌کاره مثل شما شفاعت نمی‌توانم بکنم. (= من از کسانی که تنبل و هیچ‌کاره هستند مثل شما شفاعت نمی‌توانم بکنم.)
ورزش کجا باید کرد. (= کجا باید ورزش کرد.)
این بیست و چهار ساعت باید طوری قسمت کنیم. (= این بیست و چهار ساعت را باید طوری قسمت کنیم.)

اسم پدرش... و اسم جدش... بودند. (= اسم پدرش... و اسم جدش... بود.)
چه قرار شد اگر کسی کتابی را گم کرد چه کند؟ (= اگر کسی کتابی را گم کرد چه کند؟)
او را به عقد حضرت علی (ع) دادند. (= او را به عقد حضرت علی (ع) درآوردند.)
اگر مسلمانان علوم جدید می‌خوانند پیشرفت نخواهند کرد. (= اگر مسلمانان علوم جدید بخوانند پیشرفت نخواهند کرد.)

امیدوارم از آن خوشتان می‌آید. (= امیدوارم از آن خوشتان بیاید.)
این فقط حرف‌هاست... چرا راهمان را دور کنیم؟ (= اینها فقط حرف است... چرا راهمان را دور کنیم.)
- واژه‌های خارج از معیار: مقصود واژه‌هایی است که ساخت آنها مطابق قواعد زبان فارسی نیست، مانند جمع بستن واژه‌های زیر:

فرمودات (= فرموده‌ها)

مرکبات اصلی (= ترکیب‌های اضافی)

احسانات (= احسان‌ها)

سال‌خوردان (= سالخورده‌گان)

همچنین کاربرد نادرست حروف اضافه، که در این کتاب‌ها زیر عنوان حروف جار آمده است. حروف اضافه در همه زبان‌ها جایگاه ویژه‌ای دارد و بی‌اطلاعی از عمل‌کرد و کاربرد نابه‌جای آنها مشکلات معنایی ایجاد می‌کند. جملات زیر نمونه‌هایی از این اشکالات است.

نردبان متحرک را با در آن وصل کردند. (= به)

کارخانه‌ها و... در خارج از شهر منتقل شود. (= به)

امروز چرا به دیر بیدار شدید؟ (حرف اضافه زائد است).

در بخش تمرین‌های کتاب نیز مشکلاتی از این قبیل را مشاهده می‌کنیم. در تمرینی از دانش‌آموزان خواسته شده است تا فعل خواندندی را در یک جمله به کار ببرند؛ کاربردی که سال‌هاست متروک شده است.

در ذیل تمرینی دیگر واژه «مر»، در شعر، کلمه‌ای زاید و فقط برای پر کردن وزن اطلاق شده است؛ در حالی که، این واژه، در گذشته، یکی از دو نشانه مفعول بوده است که پیش از آن می‌آمده، و، به تدریج، مهجور مانده است.

نکته دیگری که توجه به آن ضروری به نظر می‌رسد تغییر ترتیب معمول قرار گرفتن ضمیرهای پیوسته و صیغه‌های فعل است. مثلاً ضمائر پیوسته ملکی به ترتیب زیر مرتب شده است: اش، ات، ام / شان، تان، مان (به جای ام، ات، اش / امان، اتان، اشان) و صیغه‌های فعل ماضی به این ترتیب آمده است: رفت، رفتند، رفتی، رفتید، رفتم، رفتیم (به جای رفتم، رفتی، رفت، رفتیم، رفتید، رفتند). این تغییر ترتیب، حتی اگر به قصد انطباق با زبان اردو هم صورت گرفته باشد، نه معمول است و نه مشکلی را می‌گشاید؛ چنان‌که، برای فراگیری چهارده صیغه فعل در زبان عربی، بر هم زدن ترتیب جایز نیست.

ج) واژگان - واژگان بنیادی هر زبان از ارکان هویت آن زبان‌اند. هر زبانی می‌کوشد، برای همه معانی و مفاهیم واژه بسازد و، به این ترتیب، هویت مستقل خود را حفظ کند. اگر زبانی، به هر دلیلی، برای مفهومی واژه در اختیار نداشته باشد گاهی به عاریت آن را از زبانی دیگر می‌ستاند و رفع نیاز می‌کند و غالباً هم، پس از مدتی، آن را از خویش می‌شمارد. اما برخی از واژه‌های بیگانه را به دلایل متعدد زبانی و فرهنگی نمی‌پذیرد. کهنگی الفاظ نیز گاهی باعث می‌گردد که از گردونه کاربرد خارج شوند و، تا مدت‌ها و گاه برلی همیشه، از ذهن‌ها پاک شوند. بنابراین، ساختن و پذیرفتن واژه‌ها همیشه تابع قانون‌های پیدا و پنهان دستوری، زبانی، سنتی، عرفی و فرهنگی هر ملت است و این واژگان، بدون تأیید استفاده‌کنندگان آن، قابلیت اشاعه ندارند. با این مقدمه، به نظر می‌رسد که واژه‌های زیر در مواضع به کار رفته در کتاب‌ها خوش ننشسته‌اند:

قدیم (= قدیمی)	فطرنه (= فطریه)
ماماجان (= مادر جان، ماماجان در پاکستان)	شوفر (= راننده)
به کلفت و خادمه اطلاق می‌شود.	بیش‌بهایی (= گران‌قیمت)

بدر (= فاضلاب و گنداب)
تعمیل (= عمل کردن؛ که در فارسی نیست)
برشگال (= باران؛ که در فارسی نیست)

۲. دستور خط

نمونه‌های زیر، اشکالات رسم‌النخط را در این کتاب‌ها نشان می‌دهد.

نه‌شد (= نشد)	ضائع (= ضایع)
نه‌رفته باشند (= نرفته باشند)	دانش‌کده (= دانشکده)
پیشوایی (= پیشوای)	آذربایجان (= آذربایجان)
دوچار (= دچار)	مریض‌ام (= مریضم)
به‌بینند (= ببینند)	آئینه‌دار (= آئینه‌دار)
روزنامه‌ای (= روزنامه‌ای)	مورّخ (= مورّخ)
سایر (= سایر)	مؤفقیّت (= موفقیّت)

۳. املا

به نظر می‌رسد که بخشی از ایرادهای اخیر سهوی باشد؛ امّا، از آن‌جا که لازم است این موارد در چاپ‌های بعدی بازبینی شود، ذیلاً می‌آید:

می‌گزشت (= می‌گذشت)	زهراء (= زهرا)
بادشاه (= پادشاه)	بدی (= بد)
غیور (= غیور)	گزرگاه (= گذرگاه)
بیست دوم (= بیست و دوم)	بفرمائید توی (= بفرمایید تو)
کارگرد (= کارگر)	خوش بگذرد (= خوش بگذرد)
اسعدآباد همدان (= اسدآباد همدان)	نگهداشتن (= نگه داشتن)

۴. مهارت

مهارت‌آموزی در این کتاب‌ها ناظر به مقاصد مشخصی نیست؛ زیرا آشنایی کافی نداشتن مؤلفان با خود زبان به عنوان یک پدیده قابل مطالعه و روشن نبودن انتظاراتی که پس از آموختن زبان باید از آموزنده داشت به آنان اجازه نداده است تا برنامه‌ریزی خود را با اهداف سنجیده و از پیش تعیین شده هماهنگ سازند. به همین دلیل است که گاه بر

موضوعی بسیار کم‌اهمیت تأکید فراوان می‌شود و گاه مسائل مهم مورد بی‌اعتنایی و بی‌مهری واقع می‌شوند. در یک نگاه اجمالی، سهم ترکیب‌های وصفی و اضافی در این کتاب‌ها بیش از حد لزوم است، به طوری که تقریباً جا را برای دیگر تمرین‌های لازم تنگ کرده است.

مسئله مهم دیگر - که پیش از این نیز به آن اشاره شد - آن است که بخش اعظم آموزش دستور زبان فارسی به کتاب ششم منحصر شده است. این موضوع از دو جهت درخور توجه است: یکی آن که، در ابتدای زبان‌آموزی، هنوز دانش‌آموز برای فراگرفتن و به خاطر سپردن تعاریف دستوری آمادگی لازم را ندارد؛ دوم آن که، در سال‌های بعد، مفاهیم دیگر دستوری ضمن پرسش‌ها و خودآزمایی‌ها مطرح می‌شوند، در حالی که زبان‌آموز پیش‌تر قواعد دستوری مربوط به آن را نیاموخته است.

درباره شناخت حاصل مصدر و اسم فاعل هم در این کتاب‌ها بحثی به میان نیامده است؛ امّا، گه‌گاه، پرسش‌هایی از این دست به چشم می‌خورد، بی آن که توضیحی درباره اصل قضایا داده شده باشد. هم‌چنین، مباحث دستوری دیگری از قبیل اسم مصدر، اسم معرفه و نکره، اسم جامد و مشتق و انواع صفت‌های فاعلی و مفعولی، اسم موصول و صفت حالیه، که در جای‌جای کتاب از آنها پرسش‌هایی به عمل آمده، معلوم نیست در کجا آموخته شده است.

۵. معنا

خوشبختانه، در این حوزه، دقت نظر مؤلفان موجب شده است کمترین اشتباه و خطا رخ دهد. برخی از این خطاها عبارت‌اند از:

مامان = امی («امی» در پاکستان به معنای کلفت است).

دوردست = دور دراز (به جای دور از دسترس)

نادرست‌کاری = بددیانتی (معنای «نادرست‌کاری» تنها بددیانتی نیست).

دردسری = یک مصیبت («ی» را «یک» معنا کرده‌اند).

نظافت = صفائی (در کنار پاکیزگی و برای تکمیل معنای آن آمده است).

